عشق ولایی «آقا سعید» که تا شهادت ادامه داشت

شـــهید حاج اکبر خاجی، معروف به «آقا سعید»، عضو دفتر ویژه رهبر شهید انقلاب اسلامی بود؛ مردی که از سال ۱۳۶۳ به نهاد ریاست‌جمهوری آمد و پس از آن در بیت رهبری خدمت می‌کرد.

رســانه KHAMENEI.IR در ادامه مطالب پرونده «مردان صادق»؛ ویژه معرفی شـــهدای تیم حفاظت و دفتر مقام معظم رهبری در جنگ تحمیلی ســـوم، در گزارشی کوتاه، بخش‌هایی از حیات نورانی شهید حاج اکبر خاجی، معروف به «آقا ســـعید»، عضو دفتر ویژه رهبر شهید انقلاب اسلامی را که برگرفته از گفت‌وگو با خانواده وی است، منتشر می‌کند.

شـــهید حاج اکبر خاجی، معروف به «آقا سعید»، عضو دفتر ویژه رهبر شهید انقلاب اسلامی بود؛ مردی که از سال ۱۳۶۳ به نهاد ریاست‌جمهوری آمد و پس از آن در بیت رهبری خدمت می‌کرد. او مظهر اخلاص و بی‌ادّعایـــی در محل کار و پدری مهربان در خانواده بود. آقا سعید در نهم اسفندماه ۱۴۰۴ در محل کارش در دفتر رهبـــری، به همراه رهبر شـــهید انقلاب، به شهادت رسید.

در دیداری با فضای صمیمی و آکنده از عطر ایثار در منزل شهید حاج اکبر خاجی، همسر شهید با صبری که از سال‌ها همراهی با مردی از جنس خدمت و ولایت نشئت می‌گرفت، رشته کلام را به دست گرفت و ما را به ســال‌های دور در دهه ۶۰ برد؛ زمانی که حاج اکبر با عنوان «آقا ســـعید» ـ نامـــی که حضرت آقا برایش برگزیده بودند ـ وارد حریم بیت شد.

نشستن در خانه شهید حاج اکبر خاجی شبیه ورق زدن کتابی از جنس اخـــلاص و بی‌ادّعایی بود. وقتی همســـر و فرزندانش از او می‌گفتند، نه از یک کارمند، بلکه انگار از سایه‌ای سخن می‌گفتند که سال‌های سال، بی‌صدا و باوقار، در حریم خورشید ولایت زیسته بود.

داســـتان زندگی او از سال ۱۳۳۸ شروع می‌شود، امّـــا نقطـــه عطـــف آن، ســـال ۱۳۶۳ و ورود به نهاد ریاست‌جمهوری است. همســـر ایشان با یادآوری آن روزها این خاطره را بیان داشـــت که وقتی آقا به آقای محمّدی‌دوست ـ منشی رهبر شهید انقلاب ـ فرمودند که کســـی را می‌خواهم که کنار دست من باشد، نام خاجی مطرح شد. همان روز اوّل در بیت، آقا او را «آقا سعید» نامیدند و اتاقی که در آن مشغول به کار شد، از آن پس به «اتاق ســـعیدین» معروف شد؛ آقا سعید خاجی و آقا سعید صاحبدل.

خانـــواده‌اش تعریف می‌کردند که حاج اکبر پیش از آن، معلّـــم کلاس اوّل و مدرّس قـــرآن و دینی در مدرسه مؤتلفه بود. او حتّی در زمان ریاست‌جمهوری هم تدریس را رها نکرد، امّا وقتی وارد دفتر آقا شد، تمام وجودش در اطاعت خلاصه شـــد. همسرش می‌گفت: «همیشه تأکید داشـــت که برای انجام هر کاری باید اجازه بگیرد.» زندگی او در این سال‌ها هندسه عجیبی داشت؛ در دوران کرونا، برنامه‌اش یک هفته قرنطینه، دو هفتـــه خدمت به آقا و یک هفته خانه بود. در آن ایّام، از ترس اینکه ناقل بیماری نباشد، هیچ‌جا نمی‌رفت و مهمان هم به خانه‌شان نمی‌آمد.

او در ســـال، دو بار همراه آقای شـــهید به مشهد می‌رفـــت. در جنگ دوازده‌روزه نیز چنان غرق کار در دفتر بود که تا مدّت‌ها نمی‌توانست به خانه بیاید و نهایتاً سه روز یک‌بار سری به خانواده می‌زد. شهید خاجی سراسر وجودش خدمت به رهبر مجاهد شهید بود، تا جایی که خود وی بیان می‌کرد که هنگام خدمت در دفتر، تمام تلاش خود را می‌کرد تا در اتاقش بماند که نکند زنگ اتاق زده شـــود و آقا کاری با ایشان داشته باشند، امّا حضور نداشته باشد.

فرزندانش، آقا محمّدرضـــا و زهرا خانم، از پدری می‌گفتند که کتمان سِر در جانش ریشه داشت. اگر از او درباره کارش ســـؤال می‌کردند، با مهربانی امّا قاطع می‌گفت: «از من این ســـؤالات را نکنید.» او با شهید حاج ســـعید صاحبدل چنان رفاقتی داشت که گویی برادر بودند. همســـرش با بغض از آن شنبه غم‌بارِ نهمِ اسفند گفت که روز تعویض شیفت شهیدان صاحبدل و خاجی بود. می‌گفت: «ساعت ۱۱:۳۰ و ۱۴:۳۰ با خانم صاحبدل تماس گرفتـــم؛ وقتی گفت آقای صاحبدل نیامده، همان‌لحظه مطمئن شـــدم که آقا سعید هم شهید شده است.»

صحنه‌های پُرشور زندگی این شهید بزرگوار، مملو از لطف رهبر شـــهید بود. همسرش روایت می‌کرد که در یـــک روضه خصوصی، آقا فرموده بودند: «ما به آقا ســـعید خیلی زحمت می‌دهیم؛ هر چه آقا سعید کار می‌کند، نصف ثوابش برای شما است.» و همسر شهید در پاســـخ با لبخندی از سر صدق گفته بود: «آقا! آقا سعید پسر پنجم شما است.»

ایـــن صمیمیّت تا جایی بود کـــه وقتی آقا او را تا دیروقت در محل کار می‌دیدند، با مهربانی می‌گفتند: «چرا هنوز این‌جا هســـتی؟ برو پیـــش خانواده‌ات.» دختـــرش زهرا خانم از پـــدری می‌گفت که در اواخر عمر، نگاهش و رفتارش چنان شـــبیه به آقای شهید شـــده بود که حتّی با دیدن یک خواب ســـاده درباره آقا، اشـــک از چشمانش سرازیر می‌شـــد. او از آن نوه کوچکشان می‌گفت که بسیار ناآرام بود، امّا تا آقا او را بغل کردند، آرام گرفت؛ گویی عطر ولایت، آتش درون کودک را خاموش کرد.

غم‌انگیزترین بخـــش، روایت همان روزی بود که در معراج شـــهدا اجازه ندادند صورت شهید را ببینند. همســـرش گفت: «روی ایشـــان باز نشد؛ فقط در قبر لب‌هایش را دیدم.» امّا با وجود همه این ســـختی‌ها، همسرش با قلبی آرام می‌گفت: «خیلی راضی هستم که او شهید شد، آن هم در رکاب حضرت آقا.»

حاج اکبر خاجی یا همان «آقا سعید» بیت، از پیش ما رفت، امّا میراثی از وفاداری از خود به جا گذاشـــت. او نه‌فقط در دفتر کـــه در خانه‌اش هم پدری مهربان بود. حالا خانه اگرچه خالی از حضور او است، امّا پُر از خاطرات مردی اســـت که ثابت کرد مقامِ خادمیِ ولی بالاترین مقامی است که یک انسان می‌تواند برای خود دست‌وپا کند. به‌راستی که «عاشَ سَعیداً وَ ماتَ سَعیداً».

وابستگی ۹۵ درصدی بحرین و قطر به کابل‌های اینترنت تنگه هرمز

قطع کابل‌های زیردریایی تنگه هرمز، با وابستگی بیش از ۹۵درصدی بحرین و قطر، اقتصاد دیجیتال آن‌ها را فلج می‌کند.

تنگه هرمز اگرچه به‌عنوان شـــاهراه اصلی نفت جهان شـــناخته می‌شود، اما در حوزه ارتباطات نیز یک کریدور حیاتی منطقه‌ای محســـوب می‌شـــود. کابل‌های فیبر نوری زیردریایی که از بســـتر این تنگه عبور می‌کنند، ستون فقرات اتصال کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به شبکه جهانی اینترنت را تشکیل می‌دهند.

بر اساس داده‌های شرکت TeleGeography، پهنای باند عبوری از تنگه هرمز عمدتاً دارای اهمیت منطقه‌ای است. کمیته بین‌المللی حفاظت از کابل (ICPC) نیز تأکید کرده اســـت که «خطرات مرتبط با زیرساخت کابل در تنگه هرمز ماهیت منطقه‌ای دارند» و شبکه‌های مخابراتی مدرن «با قابلیت بازمسیریابی ترافیک از مسیرهای جایگزین طراحی شده‌اند».

با این حال، برای کشورهای کوچک حاشیه خلیج‌فارس مانند بحرین و قطر، وابستگی به این کابل‌ها حیاتی است. طبق گزارش‌های منطقه‌ای، قطر ۹۹ درصد و بحریـــن ۹۵ درصد از اتصـــال اینترنت بین‌المللی خود را از طریق کابل‌های زیردریایی خلیج‌فارس تأمین می‌کنند، در سناریوی خسارت گسترده، ۷۰ تا ۹۰ درصد اینترنت کشـــورهای عربی خلیج‌فارس مختل می‌شود، این اختلال می‌تواند موجب کندی شدید در تجارت الکترونیک، بانکداری و خدمات مالی بین‌المللی شود.

بحرین یکی از کشـــورهایی است که به‌طور مستقیم از کابل‌های کلیدی عبـــوری از منطقه تغذیه می‌کند. کابل‌های FALCON و Fiber Optic Gulf در منامه و در ایستگاه فرود شرکت Batelco مستقر هستند.

بحرین در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌هایی برای تنوع‌بخشی به مسیرهای اتصال خود انجام داده است، از جمله پیوستن به کنسرسیوم کابل SEA-ME-WE ۶ و ساخت کابل منطقه‌ای Al Khaleej به‌طول ۱,۴۰۰ کیلومتر که قرار است بحرین را به عمان، قطر و امارات متصل کند، با این حال، این کابل یک سیستم درون‌خلیجی است و برای اتصال به اینترنت بین‌الملل، ترافیک همچنان باید از طریق عمان و عبور از تنگه هرمز خارج شود.

قطر نیز از طریق حداقل شش سیستم کابل زیردریایی فعال به شبکه جهانی متصل است، مهم‌ترین این سیستم‌ها، کابل GBICS (Gulf Bridge International Cable System) اســـت که دو نقطه فرود اصلی در قطر دارد و این کشور را به بحرین، کویت، عراق، عربستان، عمان و امارات متصل می‌کند.

شرکت Ooredoo همچنین در حال توسعه پروژه عظیم Fibre in the Gulf (FIG) است که با ظرفیت ۷۲۰ ترابیت بر ثانیه و ۲۴ جفت فیبر، بزرگ‌ترین سیستم کابل زیردریایی ساخته‌شـــده در منطقه شورای همکاری خلیج‌فارس خواهد بود.

FIG قرار است از عمان به عراق و سپس از طریق ترکیه به اروپا متصل شود و کانال سوئز را دور بزند، با این حال، بخش کلیدی این پروژه باید از تنگه هرمز عبور کند و مدیرعامل Ooredoo اعتراف کرده است؛ «در زمان حاضر نمی‌توانیم کشـــتی‌های کابل‌گذار را به داخل هرمز ببریم». این پروژه قرار است در اواخر ســـال ۲۰۲۷ به بهره‌برداری برســـد و تا آن زمان، قطر همچنان به کابل‌های موجود وابسته خواهد بود.

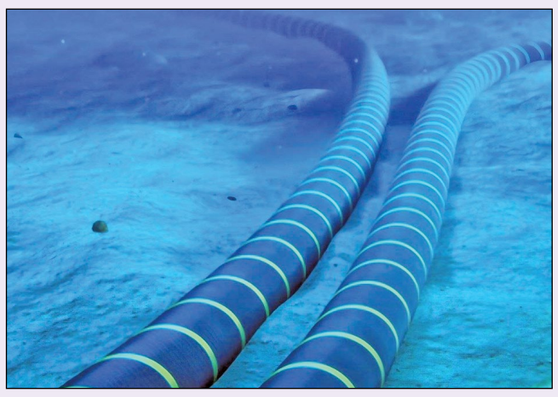

مهم‌تریـــن چالش بحرین و قطر در مواجهه با قطع کابل‌های منطقه، نبود مسیرهای جایگزین با ظرفیت کافی است. بر اساس داده‌های TeleGeography، این دو کشـــور برای دسترسی به شبکه جهانی عمدتاً بر شبکه‌های ارتباطی زمینی با عربستان سعودی متکی هستند، با این حال، ظرفیت این شبکه‌های زمینی برای جبران کامل قطع سیستم‌های دریایی کافی نیست و این مسیرها خود در معرض خطرات ناشی از درگیری‌های نظامی قرار دارند.

در سال‌های اخیر، سرویس اینترنت ماهواره‌ای استارلینک در بحرین و قطر مجوز فعالیت دریافت کرده است. سازمان تنظیم مقررات ارتباطات قطر (CRA) در سپتامبر ۲۰۲۲ مجوز فردی به «استارلینک ستلایت قطر» اعطا کرد و این شرکت در ژوئیه ۲۰۲۵ اعلام کرد که خدماتش در سراسر قطر عملیاتی شده اســـت، در بحرین نیز استارلینک مجوز TRA را در سال ۲۰۲۲ دریافت کرد و در سپتامبر ۲۰۲۶ به‌طور رسمی راه‌اندازی شد،

با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که استارلینک نمی‌تواند به‌عنوان یک جایگزین واقعی برای کابل‌های زیردریایی عمل کند. خود سازمان CRA قطر در ســـند رســـمی خود اعلام کرده اســـت که خدمات ماهواره‌ای نقشی تخصصی و محدود دارند و به‌عنوان جایگزین مســـتقیم برای پهنای باند ثابت سنتی عمل نمی‌کنند.

خدمات ماهواره‌ای «معمولاً پهنـــای باند کمتر، متغیرتر و تأخیر بالاتری نسبت به خدمات پهنای باند ثابت سنتی ارائه می‌دهند» و «مصرف‌کنندگانی بـــا نیازهای داده بـــالا، مانند کســـب‌وکارهای تجارت الکترونیـــک، احتمالاً جایگزیـــن کـــردن خدمات پهنای بانـــد ثابت خود با خدمـــات ماهواره‌ای را نمی‌پذیرند».

مهم‌ترین محدودیت اســـتارلینک، ظرفیت بسیار محدود آن در مقایسه با کابل‌های فیبر نوری اســـت. کل ظرفیت شبکه استارلینک در سراسر جهان حـــدود ۶۰۰ ترابیت بر ثانیه اســـت، در حالی که ظرفیت تخمینی کابل‌های نوری زیردریایی جهان از ۲۰,۰۰۰ تا ۳۰,۰۰۰ ترابیت بر ثانیه فراتر می‌رود، به‌عبارت دیگر، ظرفیت کل استارلینک در جهان کمتر از یک‌سوم ظرفیت تنها یک کابل زیردریایی مدرن است، این بدان معناست که استارلینک می‌تواند به‌عنوان یک لایه پشتیبان اضطراری برای نهادهای حیاتی یا مناطق دورافتاده عمـــل کند، اما هرگز نمی‌تواند بار ترافیکی دیتاســـنترها، بورس، بانکداری و پلتفرم‌های کلان اقتصادی دوحه و منامه را جبران کند.

براساس داده‌های صنعتی، سالانه حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ خرابی کابل زیردریایی در سراســـر جهان رخ می‌دهد که ۷۰ تا ۸۰ درصد آن‌ها ناشی از فعالیت‌های انسانی غیرعمدی مانند ماهیگیری تجاری و لنگر کشتی‌ها است، نه خرابکاری، با این حال، عمق کم آب در تنگه هرمز (به‌خلاف اقیانوس اطلس) دسترسی به کابل‌ها را برای عملیات خرابکارانه آسان‌تر می‌کند.

بحرین و قطر به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود و وابستگی بالا به کابل‌های زیردریایی منطقه، در صورت آسیب گسترده به این زیرساخت‌ها با خطر اختلال شدید در ارتباطات اینترنتی، توقف خدمات مالی و بانکی، و کندی فعالیت‌های تجاری و اقتصادی مواجه خواهند شد.

به گزارش تسنیم، اگرچه هر دو کشور در حال سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید مانند Fibre in the Gulf و کابل Al Khaleej برای تنوع‌بخشی به مسیرهای اتصال خود هســـتند، اما این پروژه‌ها یا درون‌خلیجی هستند و تنگه هرمز را دور نمی‌زنند، یا تا ســـال ۲۰۲۷ یا بعد از آن بـــه بهره‌برداری کامل نخواهند رسید.

استارلینک نیز به‌دلیل ظرفیت محدود و ماهیت تخصصی، نمی‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین واقعی در شـــرایط بحرانی عمل کند، به‌بیان دقیق‌تر، در صورت قطع گسترده کابل‌های منطقه، بحرین و قطر عملاً هیچ راه‌حل جایگزین کارآمدی برای حفظ اتصال اینترنت خود در اختیار ندارند و تنها می‌توانند به بازســـازی کابل‌های آسیب‌دیده امیدوار باشند؛ فرآیندی که خود ممکن است هفته‌ها یا ماه‌ها به‌طول بینجامد.

تعبیر ایندیپندنت از «برزخ خطرناک» در تنگه هرمز؛ تداوم التهاب برای اقتصاد جهانی ویرانگر است

روزنامه ایندیپندنت در گزارشی نوشت که با توجه به اینکه چشم‌انداز صلح در خاورمیانه بیش از پیش دور از دسترس به نظر می‌رسد، قیمت نفت همچنان بالا باقی مانده و به گفته کارشناسان، جنگ به برزخی خطرناک برای اقتصاد جهانی بدل شده است.

ایندیپندنت در این گزارش آورده است: زمانی که دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در ۲۸ فوریه وارد جنگی (خودخواسته) علیه ایران شدند، برنامه‌ای که به آن امید داشتند، این بود که عملیاتی نظامی با دامنه محدود را آغاز و حکومت ایران را ظرف دو هفته ســـرنگون و سپس بلافاصله اعلام پیروزی کنند.

با این حال، اکنون که درگیری‌ها به هشـــتمین ماه خود نزدیک می‌شود، برزخی نگران‌کننده پدیدار شـــده است. مذاکرات همچنان در بن‌بســـت قرار دارد و قیمت نفت نیز سرسختانه بالاتر از ۱۰۰ دلار در هر بشـــکه باقی مانده اســـت؛ تحولی که زمانی بازارها را به وحشت می‌انداخت، حالا واکنش چندانی را برنمی‌انگیزد.

ایندیپندنت در حالی از بن‌بســـت مذاکرات می‌گوید که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اســـلامی ایران، چندی پیش در سخنرانی خود در پنجاه‌ودومین نشست شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی در بغداد، تأکید کرد که باز نگه‌داشتن مسیر گفت‌وگو میان ما نشـــانه ضعف نیســـت، بلکه یک مسئولیت است. منشور ســـازمان ما بر اصولی استوار است که بازتاب‌دهنده اصول منشور ملل متحد است: برابری حاکمیتی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، و پرهیز از تهدید یا توسل به زور.

این اصول متعلق به هیچ کشـــور یا گروهی از کشـــورها نیســـت. این اصول از همه ما حفاظت می‌کنند، اما چنانچه به‌صورت گزینشی اجرا شوند، ارزش خود را از دست می‌دهند. ایران نسبت به حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد و دیپلماسی پایبند و ثابت‌قدم بوده است. در دو سال گذشته، ما به پیگیری دیپلماسی ادامه دادیم. به گفته عراقچی، «آمریکا مسیر مخالف را برگزید: تجاوز، تهدید، ترور و جنگ اقتصادی، با بی‌اعتنایی آشکار به حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد. حدود پنج هزار نفر، از جمله صدها زن و کودک، در جریان تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به شهادت رسیدند.»

ایندیپندنت در ادامه می‌نویسد: تنگه هرمز که تهران در ابتدای جنگ عملاً آن را مسدود کرد، اکنون ملتهب‌ترین دوره خود را از زمان شـــروع درگیری‌ها تجربه می‌کند. طی ۱۰ روز گذشـــته، نفتکش‌ها هدف حملات پهپادی و موشکی بی‌سابقه‌ای قرار گرفته‌اند.

دونالـــد ترامپ با هدف پایین‌آوردن قیمت نفت پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، ناچار به لغو تحریم‌های روسیه شده تا در بحبوحه افزایش شدید هزینه‌های سوخت، صادرات گازوئیل این کشور به بازار جهانی راه یابد. کارشناسان به ایندیپندنت گفته‌اند که تداوم آشفتگی در تنگه هرمز، یعنی گذرگاهی که یک-پنجم عرضه جهانی نفت و گاز طبیعی دریابُرد از آن عبور می‌کند، تأثیری ویرانگر بر اقتصاد جهان خواهد گذاشت.

تثبیت قیمت نفت در کانال ۱۰۰ دلار

زمانی که قیمت نفت برای نخستین‌بار به ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسید، بلافاصله به تیتر نخست رســـانه‌های سراسر جهان بدل شد. کارشناسان درباره وقوع یک بحران جهانی انرژی هشدار دادند که پیامدهای آن به اقتصادها، هزینه‌های زندگی و همه‌چیز، از مواد غذایی گرفته تا دارو، ســـرایت خواهد کرد.

داده‌هـــای اداره اطلاعات انرژی آمریکا حاکی از آن اســـت کـــه در ۲۷ فوریه، قیمت نفت خام برنت به‌طور متوسط حدود ۶۵ تا ۷۰ دلار در هر بشکه بود. با آغاز درگیری‌ها، قیمت‌ها به بیش از ۱۰۰ دلار جهش کرد و حتی در مقطعی به ۱۲۰ دلار رسید. به‌رغم وقفه کوتاه در ماه جولای، پس از توافق موقت صلح که در ادامه با عدم پایبندی آمریکا به یادداشت تفاهم فروپاشید، قیمت نفت در بخش عمده‌ای از ســـه‌ماهه گذشته بالاتر از ۱۰۰ دلار باقی مانده است. نیل کویلیام، کارشناس سیاست انرژی، ژئوپلیتیک و روابط خارجی در اندیشکده «چتم‌هاوس»، می‌گوید که «نباید تثبیت قیمت نفت در محدوده ۱۰۰ دلار در هر بشـــکه را با ثبات اشـــتباه گرفت. بازارها تا حدی خود را با پیش‌بینی‌ناپذیر بودن شرایط وفق داده‌اند، اما خطرات بنیادی همچنان جدی هستند.»

شـــرکت کپلر مدعی شـــده که میانگین جریان نفت صادراتی از این منطقه در ماه گذشته به ۱۵.۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود که بالاترین میزان از زمان آغاز جنگ محسوب می‌شد. به گفته این شرکت، با این حال، در پی تشدید تنش، این رقم بار دیگر به‌شدت کاهش یافت؛ به‌طوری‌که در ۱۱ اکتبر، تنها ۲.۹ میلیون بشکه نفت از منطقه عبور کرد که پایین‌ترین میزان در ماه جاری بود.

کویلیام دراین‌باره گفت: با توجه به منابع نظامی گسترده مورد نیاز برای تأمین امنیت کشتیرانی، شمار زیاد کشتی‌های درگیر و هزینه‌های بالای بیمه و عملیات، بازگشت جریان نفت را نه راه‌حلی پایدار، بلکه باید تسکینی موقت دانست. وی اضافه کرد: اکنون نگرانی اصلی کمتر درباره جو روانی بازار و بیشتر به عرضه فیزیکی نفت مربوط می‌شود. مادامی که مخاطرات در تنگه هرمز و باب‌المندب ادامه داشته باشد، صادرات نفت خلیج‌فارس همچنان با تهدیدی موثق روبه‌رو خواهد بود.

بـــه گفته وی، «این موضوع نه‌تنها برای منطقه، بلکه برای اقتصاد جهانی که همچنان در برابر اختلال در یکی از مهم‌ترین کریدورهای انرژی جهان بسیار حساس است، اهمیت زیادی دارد.»

کویلیام با اشـــاره به آنچه تغییر تدریجی ماهیت حملات در پیرامون تنگه هرمز خوانده است، توضیح داد: این حملات پرتکرارتر و از نظر جغرافیایی گسترده‌تر شده‌اند و تاکتیک‌های متنوع‌تری در آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به نوشته ایندیپندنت، مسیر عبور از تنگه تا حدی خطرناک شده است که طبق گزارش‌ها، به ناخدای کشتی‌ها برای عبور از این آبراه حیاتی، ماهانه ۱۰۰ هزار دلار پرداخت می‌شود.

تأثیر شدید جنگ بر غذا، سوخت و اقتصاد

یکی از مقامات مسئول نظارت بر طرح انتقال کود شیمیایی از تنگه هرمز به رویترز گفته است که عدم دستیابی طرفین درگیر به توافق بر سر طرحی مورد حمایت سازمان ملل متحد برای عبور کود از این آبراه، می‌تواند در بخش‌هایی از آسیا و آفریقا به بحران امنیت غذایی منجر شود.

آلوارو لاریو، رئیس صندوق بین‌المللی توســـعه کشـــاورزی سازمان ملل متحد، به رویترز گفته است که «اکنون پیامدهای اختلال اولیه ناشی از مسدودشدن تنگه هرمز رفته‌رفته آشکار می‌شود.»

به گزارش ایرنا، به گفته وی، «اختلال در انتقال محموله‌های کود شـــیمیایی و افزایش هزینه حمل‌ونقل سوخت، ناشی از اختلال تردد در تنگه هرمز، در کنار پدیده اقلیمی «ال‌نینو» و اختلال در عرضه گندم از دریای سیاه، هزینه‌ها را در سراسر زنجیره تأمین مواد غذایی افزایش داده است.»

افزون بر این، صندوق بین‌المللی پول با انتشار هشداری اعلام کرد که تداوم جنگ در خاورمیانه و اختلال‌های بیشتر در تولید انرژی، مسیرهای کشتیرانی یا زیرساخت‌های حیاتی، بزرگ‌ترین تهدید برای اقتصادهای خاورمیانه و آسیای مرکزی به شمار می‌روند.

ترس فرماندهان صهیونیست از ماجراجویی انتخاباتی نتانیاهو

فرماندهان ارتش صهیونی: حمله به ایران می‌تواند رژیم را در باتلاق فرو ببرد

رده نظامی و امنیتی اسرائیل با تلاش نتانیاهو برای ایجـــاد فضای جنگ مجدد علیه ایران اختلاف جدی دارند و آن را بیشتر ناشی از منافع شخصی و انتخاباتی نخست‌وزیر می‌دانند تا ضرورت امنیتی.

در روزهـــای اخیر و همزمان با نزدیک‌شـــدن به انتخابات پارلمانی اســـرائیل در ۲۷ اکتبر، نشانه‌های روشنی از اختلاف‌نظر عمیق میان رده نظامی و امنیتی این رژیم با سطح سیاسی به رهبری بنیامین نتانیاهو درباره احتمال آغاز دور جدیدی از درگیری نظامی با ایران آشکار شده است.

گزارش‌های متعدد رسانه‌های عبری زبان و منابع آگاه حاکی از آن اســـت که در حالی که نخست‌وزیر رژیم صهیونیســـتی بر تداوم تهدید ایران و گروه‌های وابســـته به آن تأکیـــد دارد و گاه فضای عمومی را با هشدارهای امنیتی پر می‌کند، فرماندهان ارشد ارتش و نهادهای امنیتی نســـبت به زمان‌بندی، ضرورت و پیامدهای هرگونه اقدام نظامی جدید احتیاط بیشتری نشان می‌دهند.

گزارش‌های متعدد رسانه‌های عبری زبان و منابع آگاه حاکی از آن اســـت که در حالی که نخست‌وزیر رژیم صهیونیســـتی بر تداوم تهدید ایران و گروه‌های وابســـته به آن تأکیـــد دارد و گاه فضای عمومی را با هشدارهای امنیتی پر می‌کند، فرماندهان ارشد ارتش و نهادهای امنیتی نســـبت به زمان‌بندی، ضرورت و پیامدهای هرگونه اقدام نظامی جدید احتیاط بیشتری نشان می‌دهند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌هایی چون معاریو، هاآرتص و کانال ۱۲ اسرائیل، ایال زامیر، رئیس ســـتاد کل ارتش، در ارزیابی‌های داخلی خود اعلام کرده که نشـــانه‌های روشن و فوری از آمادگی ایران برای حملـــه قریب‌الوقوع که توجیه‌کننده یک عملیات پیش‌دستانه باشد، مشاهده نمی‌شود.

در مقابل، نتانیاهو بارها از احتمال ســـازماندهی حمـــلات از ســـوی ایران یـــا نیروهـــای مقاومت در منطقه، حماس، مقاومت عراق، یمن و حزب‌الله برای تأثیرگـــذاری بر روند انتخابات ســـخن گفته و فضای تهدید را زنده نگه داشته است. این تفاوت در ارزیابی، یکی از محورهای اصلی اختلاف میان دو رده به شمار می‌رود و نشان‌دهنده شـــکاف در تحلیل اطلاعات و اولویت‌بندی تهدیدهاست.

نگرانی‌های نظامی اسرائیل درباره آمادگی و وابستگی به آمریکا

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رده نظامی، وضعیت آمادگی ارتش پس از بیش از سه سال درگیری مستمر در جبهه‌های مختلف اســـت. نیروهای ذخیره که بار اصلی بســـیاری از عملیات‌ها را بر دوش داشـــته‌اند، با خســـتگی قابـــل توجهی روبه‌رو هســـتند و منابع انسانی ارتش تحت فشار قرار دارد. فرماندهان نظامی معتقدند که هرگونه عملیات گسترده علیه ایران بدون هماهنگی کامل با ایالات متحده و بدون بازسازی نسبی توانمندی‌ها، ریسک‌های بالایی به همراه خواهد داشت.

زامیـــر در جلســـات داخلی به نتانیاهو گوشـــزد کرده که اسرائیل به‌تنهائی قادر به اجرای یک حمله تمام‌عیار و مؤثـــر علیه اهداف عمیق و پراکنده ایران نیســـت و وابســـتگی به حمایت آمریکایی، به‌ویژه در حوزه تسلیحات خاص و پوشش اطلاعاتی، همچنان تعیین‌کننده است.

از سوی دیگر، رده نظامی نگران پیامدهای پاسخ احتمالی ایران است. تجربه درگیری‌های قبلی نشان داده که تهران قادر به شـــلیک گســـترده موج‌هایی از موشک‌های بالســـتیک و پهپادها به سمت اراضی اشغالی است و چنین پاسخی می‌تواند زندگی روزمره را مختل کرده، مدارس و کسب‌وکارها را تعطیل کند و حتی برگزاری انتخابات را با مشـــکل مواجه سازد. زامیر به صراحت هشـــدار داده که ازسرگیری جنگ تمام‌عیـــار در هفته‌های پیـــش رو می‌تواند به تعویق انتخابات منجر شود.

علاوه‌بر مســـائل عملیاتی، بخش قابل توجهی از نگرانی‌های رده امنیتی به انگیزه‌های سیاســـی پشت تصمیم‌گیری‌ها بازمی‌گردد. منتقدان درون تشکیلات نظامی و امنیتی رژیم صهیونیســـتی بـــر این باورند که نتانیاهو گاه محاســـبات انتخاباتی و شخصی را بر ارزیابی‌های حرفه‌ای امنیتی مقدم می‌دارد.

به گزارش مشرق، حفظ تصویر «رهبر زمان جنگ» و انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی، پرونده‌های قضائی، شکاف‌های سیاسی شدید و انتقادها نسبت به مدیریت جنگ غزه، از جمله عواملی است که به گفته این منابع، می‌تواند بر تصمیمات امنیتی سایه بیندازد.

گزارش‌هـــا حاکی از آن اســـت کـــه فرماندهان نظامی نگران هســـتند هرگونه اقدام نظامی نزدیک به تاریخ انتخابات، از سوی افکار عمومی جامعه رژیم صهیونیســـتی به عنوان اقدامی سیاسی تعبیر شود و اعتماد به بی‌طرفی ارتش را که پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آسیب دیده بود، بیش از پیش تضعیف کند.

نتانیاهو اخیراً در مصاحبه با رادیو ارتش اسرائیل اعـــلام کرد که زمـــان کنونـــی برای انجـــام حمله پیش‌دستانه علیه ایران «مناسب ما نیست» و چنین اقدامـــی را به صلاح این رژیـــم نمی‌داند. با این حال، گزارش‌هایی از رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی منتشر شده که نشان می‌دهد او در گفت‌وگو با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گزینه‌های ازسرگیری عملیات نظامی علیه ایـــران را پیش از انتخابات اســـرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا مطرح کرده است.

منتقدان نتانیاهو در داخل سرزمین‌های اشغالی ایـــن وضعیت را نشـــانه تمرکز بیـــش از حد قدرت تصمیم‌گیـــری در دســـت نخســـت‌وزیر و تضعیف سازوکارهای سنتی مشـــورت میان سطح سیاسی و حرفه‌ای می‌دانند.

در شرایط کنونی، ارتش اسرائیل اعلام کرده که در آماده‌باش بالا قرار دارد و برای سناریوهای مختلف از جمله پاسخ به حمله احتمالی ایران یا اقدام مشترک با آمریکا آماده است. با این وجود، پیام روشن رده نظامی این اســـت که هر تصمیم بزرگی باید بر پایه ارزیابی حرفه‌ای، هماهنگی بین‌المللی و در نظر گرفتن وضعیت داخلی ارتش گرفته شود، نه بر اساس تقویم انتخاباتی.

اینکه آیا این هشـــدارها بر تصمیم نهائی نتانیاهو تأثیر خواهد گذاشت یا نه، به تحولات روزهای آینده، موضع واشنگتن و محاسبات سیاسی داخلی اسرائیل بســـتگی دارد. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که شکاف میان دو رده نه تنها بر سیاست ایران، بلکه بر کل راهبرد امنیتی اسرائیل در منطقه سایه افکنده است.

در حالی که نتانیاهو بر تداوم فشار نظامی تأکید دارد، رده نظامی خواســـتار احتیاط، بازسازی توان و پرهیز از اقدامات پرریسکی است که ممکن است بیش از آنکه تهدید را کاهش دهد، آن را پیچیده‌تر کند. این اختلاف‌نظرها در آستانه انتخابات، به یکی از محورهای بحث سیاسی داخلی اسرائیل تبدیل شده و می‌تواند بر نتایج رأی‌گیری نیز اثر بگذارد.

دفتر نخســـت‌وزیر این گزارش‌هـــا را تکذیب یا تعدیل کرده، اما خود انتشـــار چنین اخباری بر عمق شـــکاف میان روایت رسمی و ارزیابی‌های پشت پرده افزوده است.

در سطح راهبردی نیز اختلاف‌نظر وجود دارد. در حالی که نتانیاهو بارها از ضرورت تضعیف پایدار برنامه هسته‌ای و موشکی ایران و حتی تغییر حکومت سخن گفته، بسیاری در رده امنیتی معتقدند اهدافی چون سرنگونی نظام ایران غیرواقع‌بینانه است و تمرکز باید بر محدود کردن تهدیدهای فوری باشد.

تجربه جنگ ۱۲ روزه سال گذشته نشان داد که حتی با آسیب رساندن به تأسیسات و فرماندهان، برنامه هسته‌ای و توان موشکی ایران به‌طور کامل از بین نرفت و بازسازی نسبی آن ادامه دارد. برخی مقامات سابق و فعلی امنیتی هشـــدار می‌دهند که تبدیل درگیری به یک جنگ طولانی‌مدت بدون اهداف روشن و قابل دســـتیابی، می‌تواند رژیم صهیونیســـتی را در باتلاق هزینه‌هـــای اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک فرو ببرد. این تنش‌ها البته بی‌سابقه نیست.

در دهه گذشته نیز رؤسای سابق موساد، شاباک و ستاد کل ارتش بارها با طرح‌های حمله یکجانبه به ایران مخالفت کرده بودند و معتقد بودند ریسک‌ها از منافع بیشتر است. با این حال، فضای پسااکتبر ۲۰۲۳ و فرســـایش اعتماد میان رده سیاسی و نظامی، این اختلاف‌ها را علنی‌تر و عمیق‌تر کرده است.